بررسی تحلیلی ـ تطبیقی سرمایهٔ اجتماعی
در محله‌های مساعد و نامساعد[۱۲۸] شهر تهران

مرضیه موسوی خامنه،* زینب حسن‌پور درودگر**

چکیده

در این مطالعه به بررسی سرمایهٔ اجتماعی در محلات مساعد و نامساعد شهر تهران پرداخته شده و ابعاد سرمایهٔ اجتماعی، عینی و ذهنی، و مؤلفه‌های آن همچون حمایت‌های اجتماعی، روابط، مشارکت، آگاهی، همیاری و اعتماد اجتماعی در این محلات با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در این زمینه از نظریات سرمایهٔ اجتماعی و ادبیات تأثیر محله و بخصوص نظریات ویلسون،هاردینگ و تورنی درباب تأثیر زندگی در محلات نامساعد بر رفتارهای اجتماعی افراد استفاده شده است.

جامعهٔ آماری این تحقیق جمعیت ۱۵ تا ٦٥ سال ساکن در محلات تهران است. محلات تهران با توجه به سه شاخص وضعیت اقتصادی، سواد زنان و مهاجرت، به سه دستهٔ مساعد، نیمه‌مساعد و نامساعد تقسیم و از هر دسته ۱۰ محله به‌طور تصادفی انتخاب شده است. اطلاعات این پیمایش با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه از بین ٤٥٠ نفر از ساکنان این محلات جمع‌آوری شده است.

نتایج تحلیل واریانس بیانگر وجود تفاوت در میزان سرمایهٔ اجتماعی عینی و ذهنی افراد در محلات مختلف بوده است. به‌گونه‌ای که در محلات مساعد در مقایسه با محلات نامساعد، شبکهٔ روابط افراد گسترده‌تر، میزان آگاهی، مشارکت، حمایت‌های اجتماعی و همیاری ایشان هم بیشتر بوده است، اگرچه میزان اعتماد در محلات نامساعد بالاتر گزارش شده است.

در نهایت، یافته‌های تحقیق داعیهٔ نظریه‌های یادشده را مبنی بر محدودبودن منابع و فرصت‌ها در محلات نامساعد نسبت به محلات مساعد دربارهٔ سرمایهٔ اجتماعی تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سرمایهٔ اجتماعی، سرمایهٔ اجتماعی عینی، سرمایهٔ اجتماعی ذهنی، محلات مساعد و نامساعد.

---

[1] Advantaged and Disadvantaged Neighborhoods

* استادیار دانشکدهٔ علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء moosavimar@gmail.com

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۱ **تاریخ پذیرش:** ۹۱/۱/۲۹

مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شمارهٔ ۲، زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۰۳-۲۲۸

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

۱. مقدمه

دیر زمانی است که موضوع سرمایهٔ اجتماعی در مباحث مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به‌کار گرفته شده و هریک از اندیشمندان با دیدگاهی خاص به بررسی ابعاد، انواع و کارکردهای مختلف آن پرداخته و تعریفی خاص و شاید بتوان گفت منحصربه‌فرد از سرمایهٔ اجتماعی ارائه کرده است. تنوع تعاریف ارائه‌شده از این مفهوم حاکی از پیچیدگی آن است، تا آنجا که همانند بسیاری از مفاهیم اجتماعی نمی‌توان تعریفی واحد از سرمایهٔ اجتماعی ارائه داد. اما در کنار این تنوع، ایده‌ای اساسی و مشترک وجود دارد که همانا اهمیت روابط و تعاملات اجتماعی است. در واقع تأکید بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی، تعاملات و روابط انسان‌ها با یکدیگر و مشارکت و همیاری در جامعه از جمله ویژگی‌های مشترک در تعاریف سرمایهٔ اجتماعی است.

نگاه به سرمایهٔ اجتماعی از منظر روابط، مشارکت و اعتماد در جامعه با ورود به دوران مدرن و آغاز شهرنشینی و متعاقب آن کمرنگ شدن روابط انسان‌ها با یکدیگر اهمیت دوچندان یافته است. زندگی در شهرها با محدودشدن روابط اجتماعی، بریده بریده شدن تماس‌های اجتماعی، روابط سطحی و زودگذر همراه با گمنامی و ابزاری شدن کنش‌های متقابل در گروه‌های بزرگ همراه است (ممتاز، ۱۳۸۱). بر این اساس شهرها و واحدهای کوچک‌تر زندگی در شهر، مانند محلات، تأثیرات بسزایی در جنبه‌های مختلف زندگی افراد دارند. در مباحث جامعه‌شناختی این نکته به‌خوبی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در دیدگاه فقر شهری که به بررسی تأثیر بسترهای اجتماعی و اقتصادی محلات بر پیوندهای اجتماعی و ارتباطات ساکنان پرداخته، محله به‌عنوان مکانی اجتماعی تأثیرات مهمی در زندگی ساکنانش دارد و نوع شرایط و بسترهای اجتماعی نه تنها بر میزان روابط که بر نوع و جهت روابط ساکنان نیز تأثیرگذار است و انواع مختلفی از روابط را شامل می‌شود که هریک می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی متفاوتی ایجاد کند.

مطالعات تجربی موجود در این زمینه نیز مهر تأییدی بر دیدگاه‌های نظری در این باب است. در این مطالعات به بررسی تأثیر محیط اجتماعی و اقتصادی محله بر رفتارهای اجتماعی ساکنان همانند بارداری نوجوانان سیاهپوست و سفیدپوست و جامعه‌پذیری پسران نوجوان و... پرداخته شده و تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی محله بر رفتارهای ساکنان مورد تأیید قرار

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

گرفته است (پاتنام،۲۰۰۰؛ هاردینگ، ۲۰۰۹). تحقیقاتی هم که به بررسی سرمایهٔ اجتماعی محلات در نقاط مختلف دنیا و بررسی رابطهٔ میان شرایط اجتماعی ـ اقتصادی محلات با نوع و میزان سرمایهٔ اجتماعی و نحوهٔ تعاملات در سطح محلات پرداخته‌اند به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. نتیجهٔ تحقیق پاتنام در شهرهای امریکا حاکی از آن بوده است که اگرچه اکثر امریکاییان فقیر در محله‌های داخل شهر ساکن نیستند، انزوای اجتماعی- اقتصادی ساکنان سیاهپوست و لاتینِ فقیرِ این محله‌ها دارای کیفیتی متمایز است. بی‌کاری، تحصیلات نامناسب و فقرِ بهداشت فرصت‌های ساکنان محلات محروم را از میان می‌برد و کمبود شدید سرمایهٔ اجتماعی نیز چنین اثری دارد (پاتنام به نقل از تاجبخش، ۱۳۸٤: ۱۰٤). نتایج تحقیقی که در ایران به بررسی سرمایهٔ اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی- اجتماعی در کلان‌شهر تهران پرداخته حاکی از آن است که باوجود اینکه سرمایهٔ اجتماعی نقش بسزایی در رشد و توسعهٔ مناطق شهری دارد، میانگین سرمایهٔ اجتماعی افراد در حد پایینی است (فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸۵). همچنین در بررسی تأثیر قدمت محله بر سرمایهٔ اجتماعی نتایج حاکی از آن بوده که قدمت محلات نوع و میزان متفاوتی از سرمایهٔ اجتماعی را در محلات به همراه دارد (موسوی و متین، ۱۳۸۸). نتیجهٔ بررسی تأثیر بافت محله بر سرمایهٔ اجتماعی گویای آن بوده که ثبات مسکونی، همگونی و امکانات محله بر میزان سرمایهٔ اجتماعی افراد نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (خنده‌رو، ۱۳۸۷).

بر این اساس می‌توان گفت هریک از اندیشمندان و محققان بر اهمیت محیط زندگی و روابط و تعاملات افراد تأکید دارند، توجه به روابط و تعاملات در شهرها و بخصوص محلات شهری امری اجتناب‌ناپذیر است چراکه انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند که برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از فرصت‌ها و منابع به داشتن تعاملاتی مفید و کارا نیازمندند.

در جامعهٔ ایران نیز، همانند بسیاری از جوامع دیگر، عوامل متعدد از جمله رشد سریع شهرنشینی، بخصوص در کلان‌شهر تهران، به همراه شکل‌گیری محلات و ایجاد بافت‌های جدید شهری، مسائل و مشکلاتی همچون کمرنگ شدن روابط و تعاملات افراد را ایجاد کرده است. این امر موجب شده تا محققان بسیاری در سال‌های اخیر به بررسی این موضوع بپردازند. در این تحقیق نیز سعی بر آن است تا با رویکردی توصیفی و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی محلات مختلف، که در این بررسی تحت عنوان محلات مساعد، نیمه‌مساعد و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

نامساعد نام‌گذاری شده‌اند، به مقایسهٔ میزان و ابعاد سرمایهٔ اجتماعی افراد در محلات مختلف پرداخته شود. سعی شده است تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

میزان سرمایهٔ اجتماعی افراد در محلات مساعد و نامساعد چه تفاوت‌هایی با هم دارد؟

ابعاد سرمایهٔ اجتماعی افراد (ذهنی و عینی) در محلات مساعد و نامساعد چه تفاوت‌هایی با هم دارد؟

۲. مبانی نظری

روابط و تعاملات در شبکه‌های اجتماعی ایدهٔ اصلی در مباحث نظری سرمایهٔ اجتماعی است. افراد به‌واسطهٔ شبکه‌های اجتماعی قادرند اهدافشان را پیگیری و برای کسب منافع متقابل با یکدیگر همکاری کنند. اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر و پایدارساختن آن برای دستیابی به اهدافی که به تنهایی قادر به کسب آن نیستند یا به دشواری موفق به کسب آن می‌شوند با یکدیگر همکاری می‌کنند و زمانی‌که در شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند سعی می‌کنند ارزش‌های مشترکی با سایر اعضای گروه داشته باشند و از این طریق سرمایه‌ای به دست بیاورند که حاصل روابط و تعاملاتشان است (فیلد، ۱۳۸٦: ۷ و ۲٦). از این رو هر قدر افراد بیشتری را بشناسیم و دیدگاه‌های مشترکی با آن‌ها داشته باشیم، سرمایهٔ اجتماعی غنی‌تری کسب می‌کنیم. سرمایه‌ای که به‌واسطهٔ تعاملات و ارتباطات اجتماعی فرد حاصل می‌شود نه تنها برای فرد بلکه برای کل گروه و حتی جامعه هم می‌تواند مفید باشد. اجتماعاتی که متشکل از انواع و اقسام شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های مدنی هستند در رویارویی با فقر و ضعف اجتماعی در موقعیت بهتری قرار دارند (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۵: ۵۲۸-۵۲۹).

با توجه به این موارد شناخت ابعاد و مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی و عوامل و زمینه‌هایی که بسترساز شکل‌گیری این نوع از سرمایه است می‌تواند برای افراد و جامعه حائز اهمیت باشد. از این رو، در ابتدا به بیان ابعاد و مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی پرداخته‌ایم و در ادامه عوامل مؤثر بر کاهش یا افزایش سرمایهٔ اجتماعی از دیدگاه نظریه‌پردازان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

ابعاد سرمایهٔ اجتماعی

سرمایهٔ اجتماعی همچون سایر مفاهیم اجتماعی مؤلفه‌ها و ابعاد مختلفی دارد. پاتنام، از جمله نظریه‌پردازان سرمایهٔ اجتماعی، در بررسی مؤلفه‌های این مفهوم به عناصری همچون شبکهٔ روابط، هنجارهای همیاری و اعتماد اشاره می‌کند. از نظر او روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان بنیادی‌ترین جزء سرمایهٔ اجتماعی است که خاستگاه دو مؤلفهٔ دیگر یعنی هنجارهای همیاری و اعتماد است. او به دو نوع هنجار همیاری تعمیم‌یافته و متوازن نیز اشاره می‌کند و ملاک سرمایهٔ اجتماعی را هنجار همیاری تعمیم‌یافته می‌داند. از دیدگاه او، عنصر مهم دیگر در سرمایهٔ اجتماعی اعتماد است. او اعتماد را شرط ضروری برای تقویت همکاری و حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران در جامعه می‌داند و معتقد است در جوامع بزرگ‌تر نیازمند اعتماد غیرشخصی و تعمیم‌یافته هستیم (پاتنام و گاس، ۲۰۰۶: ٦ به نقل از موسوی خامنه، ۱۳۸۳؛ پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۳٤-۱۳۵؛ پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۳٦-۱۳۷).

سرمایهٔ اجتماعی ابعاد مختلفی نیز دارد. از جمله ابعاد مهم سرمایهٔ اجتماعی که نظریه‌پردازانی همچون پاکستون به آن اشاره دارند می‌توان به بعد عینی و ذهنی اشاره کرد. بعد عینی سرمایهٔ اجتماعی یک کمیت است؛ یعنی در جامعه هرچه مشارکت بیشتر باشد و تعداد انجمن‌های داوطلبانه یا به عبارتی سازمان‌های غیردولتی بیشتر باشد سرمایهٔ اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. کمیت خود دو بعد مختلف دارد، یک بعد تعداد سازمان‌های داوطلبانه در جامعه و بعد دیگر تعداد اعضای هریک از این گروه‌ها است. همچنین میزان ارتباط افراد با اعضای خانواده، دوستان و آشنایان و به‌طورکلی با دیگران شامل بعد کمی سرمایهٔ اجتماعی می‌گردد. پاکستون این بعد از سرمایهٔ اجتماعی را تحت عنوان پیوندهای عینی میان افراد تعریف می‌کند که همان ساختار شبکه‌ای است که افراد را به‌هم مرتبط می‌کند. از نظر بعد ذهنی، باید اذعان کرد که سرمایهٔ اجتماعی دارای بعد کیفی مهمی است. برای برآورد جامع سرمایهٔ اجتماعی می‌بایست میزان همبستگی و درجهٔ انسجام درون‌گروهی، اعتماد متقابل بین کنشگران، احساسات مثبت و به‌طورکلی بعد ذهنی آن نیز مدنظر قرار گیرد. کیفیت نیز خود دارای دو بعد است: یک بعد همبستگی درون‌گروهی و بعد دیگر همبستگی بین‌گروهی موجود در جامعه است. چنان‌چه در جامعه اعتماد و انسجام درون گروه‌ها بالا باشد، اما بین گروه‌های مختلف

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

انسجام پایین باشد یا وجود نداشته باشد، این فرآیند تأثیرات منفی برای کل جامعه خواهد داشت و در واقع سرمایهٔ اجتماعی موجود از نوع منفی خواهد بود. این بعد نیز از نظر پاکستون بعد ذهنی پیوند است که دارای ویژگی‌هایی همچون دوجانبه بودن، مورد اعتمادبودن و مستلزم احساس مثبت است (فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸۵: ۲۰۰). سرمایهٔ اجتماعی زمانی که هر دو بعد در سطح بالایی باشند و در کنار هم و نه مجزا از یکدیگر می‌تواند پیامد مثبتی را برای افراد و جامعه به همراه داشته باشد. اگر پیوستگی‌های انجمنی بالا ولی پیوندهای ذهنی ضعیف باشند، کنشگران ممکن است به راه‌های دیگری برای تأمین همکاری، از جمله عقد قرارداد رسمی، متوسل شوند. اگر پیوندهای ذهنی زیاد ولی پیوستگی‌های انجمنی در سطح پایینی باشد، حسن نیت وجود دارد ولی به احتمال زیاد برای غلبه بر موانع همکاری مؤثر نیازمند واسطه‌هایی خواهیم بود (فیلد، ۱۳۸٦: ۱۱۱). پاکستون برای بیان رابطهٔ سرمایهٔ اجتماعی و ابعاد آن مدلی دارد:

سرمایهٔ اجتماعی و رابطهٔ ابعاد آن

بعد عینی / بعد ذهنی	زیاد	کم
زیاد	وجود سرمایهٔ اجتماعی تعامل را تسهیل می‌کند	اعتماد وجود دارد اما انجام تعامل با مشکل مواجه است
کم	انجام تعامل نیازمند طرف سوم و ضمانت‌های اجرایی رسمی است	موردی نادر

بر این اساس می‌توان گفت سرمایهٔ اجتماعی مولد فوایدی برای اعضای شبکه است که به آن‌ها در دستیابی به اهداف و منافعشان در سطح فردی و گروهی یاری می‌رساند، اما همان‌گونه که پاکستون نیز مطرح می‌کند ابعاد مختلف سرمایهٔ اجتماعی در کنار هم می‌تواند پیامد مثبتی برای جامعه داشته باشد. حضور یکی بدون دیگری ممکن است نه تنها مفید نباشد پیامد منفی نیز داشته باشد. از این رو، توجه به عواملی که زمینه‌ساز شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی است می‌تواند پیامدهای مثبت حاصل از شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی را تقویت و از پیامدهای منفی آن جلوگیری کند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

گلیزر[1] ضعف عمده در بررسی تجربی و نظری سرمایهٔ اجتماعی را متوجه کمبود مطالعات مربوط به عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی می‌داند (گلیزر، ۲۰۰۱: ۲). شناخت بهتر عوامل تعیین‌کنندهٔ سرمایهٔ اجتماعی باعث ایجاد سیاستی خواهد شد که، به‌جای اثرات مخرب سرمایهٔ اجتماعی، به تولید سرمایهٔ اجتماعی مفید منجر شود (دورلاف، ۱۳۸۵: ٤۰۹). در واقع شرایط و بسترهای مختلف می‌تواند رفتارهای اجتماعی افراد را نیز تحت تأثیر قرار دهد و باعث شود تا در شرایط مختلف شاهد رفتارهای متفاوتی در میان افراد باشیم. یکی از این شرایط محیط‌های اجتماعی است که افراد در آن زندگی می‌کنند و محلات به‌عنوان مکان زندگی افراد نقش مهمی در بروز رفتارهای اجتماعی دارند. در ادامه به بررسی نظریاتی می‌پردازیم که به نقش محلات و تأثیر آن‌ها بر رفتارهای اجتماعی افراد پرداخته‌اند.

ادبیات تأثیر محله

در مطالعات و دیدگاه‌های گوناگون از محله تعاریف مختلفی صورت گرفته است. دیزت[2] معتقد است محله بزرگ‌ترین و در عین حال صمیمی‌ترین گروه اجتماعی در جامعهٔ شهری است و از جمله بافت‌های تأثیرگذار بر رفتار انسانی، همسایگی محله و شرایط آن است. اندازهٔ محیط اجتماعی، اشتراک در محل اقامت و کیفیت روابط اجتماعی از عناصر مهم در تعریف محله است (دیزت، ۲۰۰۲: ٥٤۰).

توجه به نقش، بافت و ساختار اجتماعی و اقتصادی محله و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی انسان در دهه‌های اخیر موضوع مورد مطالعهٔ بسیاری از اندیشمندان بوده است. این مطالعات با عنوان ادبیات "تأثیر محله[3]" رشد فزاینده‌ای در علوم اجتماعی داشته است. آنچه این نظریات به آن می‌پردازند تأثیر محله و شرایط آن بر تعاملات اجتماعی است که بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارد و برای آن‌ها دارای آثار اجتماعی و اقتصادی است (دیزت، ۲۰۰۲: ٥٤۰).

[1] Glaeser
[2] Dizet
[3] Nighborhood effects

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

تاریخچهٔ ادبیات تأثیر محله به ابتدای دههٔ ۱۹۹۰ برمی‌گردد، در آن زمان "جنکز و می‌یر"،[1] بیان کردند که چنانچه جریان بلوغ در محله‌ای فقیر رخ دهد، در فرآیندهایی همچون کنش‌های جمعی، تأثیر گروه همالان و... اختلال ایجاد می‌شود (سمپسون و دیگران، ۲۰۰۲) تمرکز این ادبیات نظری بر این نکته است که چگونه شرایط محله به همراه اوضاع نامساعد اقتصادی-اجتماعی محله از جمله بالابودن میزان جرم، با محدودبودن منابع در میان ساکنان در ارتباط است. اوضاع نامساعد محله نیز به‌گونه‌ای متفاوت در میان مطالعات مورد بهره‌برداری و استفاده قرار می‌گیرد. محققان مختلف، اوضاع نامساعد محله را با درصد ساکنان کم‌درآمد و با درآمد بالا، درصد کارگران تحصیل‌کرده و دارای تحصیلات پایین، بی‌کاری مردان و فقر محله، درصد افراد بزرگ‌تر از ۲۵ سال که تحصیلات بالا ندارند و درصد افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند می‌سنجند (تورنی و هارکنت، ۲۰۰۷: ۲).

هاردینگ نیز در مقالهٔ خود تحت عنوان «جامعه‌پذیری پسران نوجوان در محلات نامساعد» از شاخص‌هایی همچون، میزان فقر خانواده، میزان بی‌کاری مردان، درصد زنان سرپرست خانواده، متوسط درآمد خانواده، درصد کارکنان در مشاغل حرفه‌ای یا مدیریتی و درصد افراد بالای ۲۵ سال دارای تحصیلات دانشگاهی برای تعریف اوضاع نامساعد محله بهره برده است (هاردینگ، ۲۰۰۹: ٤٤٩).

در این میان، دیدگاه فقر شهری[2] و نظریات ویلسون بیش از همه به بررسی تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی محله بر رفتارهای اجتماعی ساکنان پرداخته است (اسواروپ و مورنف، ۲۰۰٤: ٥). بر این اساس محلات مکان‌های مهمی برای شکل‌گیری و توسعهٔ روابط اجتماعی هستند و زندگی در محلات نامساعد با فقدان حمایت‌های اجتماعی همراه و در ارتباط است (تورنی و هارکنت، ۲۰۰۷: ۲).

ویلسون در کتاب *محرومین واقعی*[3] تأکید می‌کند که در فضای طبیعی رفتار، کنش‌های افراد به‌واسطهٔ جایی‌که زندگی می‌کنند شکل می‌گیرد و خصوصیات محله وضعیت هنجاری‌ای را ایجاد می‌کند که به‌عنوان رفتار قابل قبول مطرح است. افرادی که در محلات نامساعد زندگی می‌کنند به‌لحاظ اجتماعی از جریان اصلی شبکه‌های حمایت اجتماعی،

[1] Jencks & Mayer
[2] Urban poverty perspective
[3] The Truly Disadvantage

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

ارتباطات کاری و نهادهای اصلی جامعه جدا هستند. این انزوای اجتماعی می‌تواند فرصت‌های افراد را برای تحرک اجتماعی رو به بالا در این محلات محدود کند (تورنی و هارکنت، ۲۰۰۷: ۷).

از نظر ویلسون جدایی اجتماعی و فرهنگی از جامعهٔ بزرگ‌تر به همراه نبود منابع و فرصت‌های تحرک اجتماعی مشکلات ساکنان این محلات را در چرخه‌ای نادرست قرار می‌دهد. این خرده‌فرهنگ در میان افراد طبقات پایین جامعه باعث می‌شود آن‌ها به یکدیگر اعتماد زیادی داشته باشند و همبستگی خود را در مقابل طبقات دیگر جامعه حفظ کنند که منجر به افزایش سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی می‌شود (هاردینگ، ۲۰۰۹: ٤٤٥ ـ ٤٤٦).

ویلسون دربارهٔ اینکه چرا تمرکز فقر و ابعاد دیگر اوضاع نامساعد به بنیان منابع نهادی و اجتماعی در میان فقیران نواحی داخلی شهر آسیب می‌رساند چنین استدلال می‌کند که بدون حضور تودهٔ عظیمی از ساکنان طبقهٔ متوسط در محلات فقیر نهادهای اجتماعی از قبیل کار، مدارس، کلیساها و دیگر سازمان‌های اجتماعی محلی که به‌شدت نیازمند حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان هستند آسیب می‌بینند و سست‌شدن بنیان این منابع نهادی فرصت‌های ساکنان را برای درگیر شدن در زندگی اجتماعی محدود می‌کند (اسواروپ و مورنف، ۲۰۰٤).

در این باره استون و هیوز[1] نیز معتقدند ساکنان محلاتی که به‌لحاظ اجتماعی و اقتصادی اوضاع نامساعدی دارند، از نظر سرمایهٔ اجتماعی فقیر هستند و میزان مشارکت، اعتماد و شبکهٔ روابطشان اندک است، یا اینکه سرمایهٔ اجتماعی‌شان به شبکه‌های کوچکی از دوستان و فامیل محدود می‌شود (استون و هیوز، ۲۰۰۲: ۳٦– ۳۷).

در مجموع و بر اساس مباحث مطرح‌شده، می‌توان به نقش عوامل مختلف در زندگی از جمله شرایط اجتماعی و اقتصادی در شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی و انواع آن توجه کرد. از این رو در این مطالعه به بررسی تحلیلی ـ تطبیقی وضعیت سرمایهٔ اجتماعی افراد در محلات بر اساس این شاخص‌های اجتماعی پرداخته می‌شود.

[1] Wendy Stone & Jody Hughes

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

۳. روش تحقیق

جامعهٔ آماری و حجم نمونه

این مطالعه با روش پیمایش و تکنیک پرسش‌نامه به جمع‌آوری اطلاعات از افراد پرداخته است. جامعهٔ آماری این پژوهش افراد ۱۵-۶۵ سالهٔ ساکن در محلات تهران هستند که بر اساس جدول حجم نمونهٔ مقتضی دواس و با درنظرگرفتن همگنی ۵۰ به ۵۰ و خطای قابل قبول ۵٪ حجم نمونه ۴۵۰ نفر انتخاب گردید (دواس، ۱۳۸۶: ۷۹).

نمونه‌گیری

محلات تهران را می‌توان واحدهای جمعیتی در نظر گرفت که واجد اشتراک‌هایی هستند و می‌توانند مبنای تحدید جمعیت آماری و نمونه‌گیری قرار گیرند. در این صورت نمونهٔ آماری باید به‌گونه‌ای باشد که نتایج حاصل از آن به جمعیت آماری یا هر محله تعمیم‌پذیر باشد و در عین حال به‌لحاظ اقتصادی نیز مقرون به صرفه باشد. یکی از بهترین روش‌ها برای اجرای این هدف خوشه‌بندی است (عبدی، ۱۳۸۸). بر این اساس محلات تهران بر اساس اطلاعات آماری سال ۱۳۸۵ و بر مبنای سه متغیر وضعیت اقتصادی، بی‌سوادی زنان و مهاجرت به ده خوشه تقسیم شدند. این سه متغیر بر اساس سه معیار، مرتبط بودن متغیر با موضوع پژوهش، دارا بودن واریانس بالا و نیز دو وجهی نبودن معنای متغیر انتخاب شده‌اند (عبدی، ۱۳۸۸). در شاخص اقتصادی، محلات به چهار گروه وضعیت اقتصادی پایین، متوسط رو به پایین، متوسط رو به بالا و بالا طبقه‌بندی شدند. در مورد بی‌سوادی زنان، دو وضعیت بی‌سوادی بالا و پایین و در مورد مهاجرت نیز دو وضعیت پایین و بالا تعریف شدند (همان). در این مطالعه از میان ده خوشهٔ فوق، در ابتدا سه خوشهٔ بالا، متوسط و پایین انتخاب و در مرحلهٔ بعد از هر خوشه ده محله به صورت تصادفی انتخاب گردیدند و در هر محله با ۱۵۰ نفر مصاحبه به عمل آمد.

تعریف عملیاتی متغیرها

در مطالعات نظری و تجربی شاخص‌های متعددی از قبیل میزان بی‌کاری، درصد زنان سرپرست خانوار، متوسط درآمد افراد، میزان مهاجرت، تحصیلات و... برای مشخص‌کردن محلات مساعد و نامساعد وجود دارد. در این مطالعه سه شاخص میزان ساکنان مهاجر، سواد زنان و وضعیت اقتصادی مبنای طبقه‌بندی محلات بوده است. بر این اساس ده محله در خوشهٔ

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

بالا، محلات مساعد،[1] ده محله مربوط به خوشهٔ متوسط، محلات نیمه‌مساعد[2] و نهایتاً ده محلهٔ انتخابی از خوشهٔ پایین، محلات نامساعد،[3] نام‌گذاری گردیدند.

سرمایهٔ اجتماعی افراد در این مطالعه با استفاده از مباحث پاتنام، پاکستون، استون و هیوز با شاخص‌های آگاهی اجتماعی، مشارکت، اعتماد، همیاری تعمیم‌یافته، شبکهٔ روابط و حمایت اجتماعی تعریف شده است. از این میان، سه شاخص اعتماد اجتماعی، آگاهی اجتماعی و همیاری تعمیم‌یافته مربوط به بعد سرمایهٔ اجتماعی ذهنی و سه شاخص شبکهٔ روابط افراد، شبکهٔ حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی افراد مربوط به بعد سرمایهٔ اجتماعی عینی می‌شود. در جدول ۱ ابعاد و عناصر سرمایهٔ اجتماعی تعریف عملیاتی شده‌اند.

جدول ۱. تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی

تعریف عملیاتی	معرف	ابعاد	متغیر
میزان روابط با دوستان، همکاران، خویشاوندان، خانواده و همسایگان	پیوندهای عینی میان افراد	شبکهٔ روابط	سرمایهٔ اجتماعی عینی
میزان دریافت حمایت در مواقع نیاز به پول، همفکری و مشورت، همصحبتی، نگهداری از فرزندان، اسباب‌کشی یا تعمیرات جزئی	دریافت حمایت و کمک از شبکهٔ روابط	حمایت‌های دریافتی	
هیئت‌های مذهبی، انجمن‌های خیریه، بسیج، باشگاه‌های ورزشی، گروه‌های علمی، هنری، صنفی و شغلی	داشتن فعالیت در انجمن‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی	مشارکت	
میزان کسب آگاهی از منابع خبری مختلف از جمله رادیو، تلویزیون، روزنامه، یا شبکهٔ روابط شامل دوستان و همکاران	میزان کسب آگاهی از امور جاری جامعه	آگاهی اجتماعی	سرمایهٔ اجتماعی ذهنی
شرکت در فعالیت‌های عام المنفعه			

[1] سید خندان، دریان نو، دزاشیب، حسن‌آباد زرگنده، امانیه، نیاوران، اختیاریه، ایوانک، کوی‌نصر، فلامک شمالی

[2] نارمک غربی، دروازه شمیران، جنت‌آباد شمالی، شهرک دانشگاه، تهرانسر مرکزی، آهنگ، قیام، پیروزی، منیریه، ابوذر

[3] تولیددارو، بهمنیار، یاخچی‌آباد، جوادیه، فیروزآبادی، دولتخواه، شریعتی جنوبی، دیلمان، اسلام‌آباد، سلیمانی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

و کمک به افراد دیگر در قالب کمک به سیل یا زلزله‌زدگان، کمک به بازارچه‌های خیریه یا بیماران خاص و شرکت در طرح‌های اهدای عضو	تعمیم‌یافته	همیاری	
اعتماد عمومی به مردم و داشتن حسن ظن به افراد جامعه	تعمیم‌یافته	اعتماد	
اعتماد به آشنایان، دوستان، خویشاوندان و افراد خانواده	شخصی		
اعتماد به نهادهای رسمی و غیررسمی از قبیل مساجد، شهرداری، نیروی انتظامی، شورایاری محله، شورای شهر	نهادی		
اعتمادی است که در روابط اجتماعی مردمی که به‌عنوان شهروند، مشتری، یا استفاده کنندگان از یک سیستم با یکدیگر در ارتباط‌اند یافت می‌شود. مانند اعتماد به کسبهٔ محل و همسایگان در یک محله (استون، ۲۰۰۱: ۲۶ به نقل از موسوی، ۱۳۸۳)	مدنی		

پایایی[1] و اعتبار[2]

در این مطالعه سنجه‌های مذکور پس از مرحلهٔ پیش‌آزمون و تعدیل گویه‌ها و تأمین اعتبار صوری آن در مشاوره با استادان، مورد سنجش قرار گرفتند. برای سنجش پایایی گویه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان ضریب آلفای‌کرونباخ به ترتیب برای آگاهی اجتماعی ۰/۶۱، اعتماد تعمیم‌یافته ۰/۵۵، اعتماد شخصی ۰/۵۷، اعتماد نهادی ۰/۹۲، اعتماد مدنی ۰/۵٤، مشارکت ۰/۵۱، همیاری تعمیم‌یافته ۰/۶۱، دریافت حمایت ۰/۷۷ و شبکهٔ روابط ۰/۵۳ است.

[1] Reliability
[2] validity

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

٤. تحلیل یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

در این مطالعه اطلاعات از بین ٤٥٠ نفر پاسخگو جمع‌آوری شده است که ٥١/٨ درصد از پاسخگویان زن و ٤٨/٢ درصد مرد هستند. میانگین سنی در جمعیت نمونه برابر با ٣٥/٩٤ و میانه برابر با ٣٤ است. بدین معنا که نیمی از جمعیت کمتر از ٣٤ سال و نیمی بیش از ٣٤ سال دارند. نما در مورد متغیر سن برابر با ٤٠ است که گویای این است که بیشتر پاسخگویان در ردهٔ سنی ٤٠ سال هستند. کمترین سن برابر با ١٥ و بیشترین سن ٦٥ است. در میان این ردهٔ سنی ٢٥/٨ درصد در ردهٔ ١٥-٢٤ سال، ٣٤/٤ درصد از کل جمعیت در ردهٔ ٢٥-٣٤ سال، ٢٢/٤ درصد در دورهٔ ٣٥-٤٤ سال، ١٧/١ درصد در ردهٔ ٤٥-٥٥ سال و ١٠/٢ درصد بالاتر از ٥٥ سال دارند.

سطح سواد در میان پاسخگویان از بی‌سواد تا تحصیلات در مقطع دکتری را شامل می‌شود که در این میان افراد دارای تحصیلات دیپلم با ٣٨/٤ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند، ٣/١ درصد بی‌سواد، ١٩/٦درصد زیردیپلم، ٨/٩ درصد فوق دیپلم، ٢٢ درصد لیسانس، ٦/٧ درصد فوق لیسانس و ١/٣ درصد تحصیلات دکتری داشتند.

٣٠/٧ درصد از پاسخگویان مجرد، ٦٥/١ درصد متأهل و ١/٨ درصد مطلقه بوده‌اند و ٢/٢٠ درصد هم عنوان کرده‌اند که همسرشان فوت کرده است. بر این اساس بیشترین فراوانی مربوط به متأهلان است.

وضعیت عناصر سرمایهٔ اجتماعی

سرمایهٔ اجتماعی در این مطالعه با متغیرهای شبکهٔ روابط، حمایت‌های دریافتی، میزان مشارکت، آگاهی اجتماعی، همیاری تعمیم‌یافته و اعتماد سنجیده شده است که وضعیت هریک از این متغیرها در میان پاسخگویان و محلات مختلف به شرح زیر است:[1]

[1] نمرهٔ پاسخگویان در این مطالعه در دامنهٔ ٠ تا ٥ سنجیده شده است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

شبکهٔ روابط

میانگین روابط با افراد مختلف از جمله خویشاوندان، دوستان، همکاران و همسایگان در میان پاسخگویان زیر حد متوسط و برابر با ۲/۸۰ و میانه نیز ۲/۸۰ بوده است. این میانگین به ترتیب در محلات نامساعد برابر با ۲/۷۱، در محلات نیمه‌مساعد برابر با ۲/٦۷ و در محلات مساعد نیز برابر با ۳/۰۱ است که بر این اساس میزان روابط در محلات مساعد بیشتر از محلات نامساعد و نیمه‌مساعد است.

دریافت حمایت

میانگین دریافت حمایت در میان پاسخگویان در حد متوسط رو به بالا و برابر با ۳/٤۰ است و میانه هم برابر با ۳/٦۰ است. میانگین نمرهٔ این متغیر در محلات نامساعد برابر با ۳/۲۸، در محلات نیمه‌مساعد ۳/۳۷ و در محلات مساعد برابر با ۳/٦۸ است. این امر نیز حاکی از آن است که افراد در مناطق نامساعد از شبکه‌های حمایتی کمتری نسبت به افراد در محلات مساعد برخوردارند.

مشارکت

در این مطالعه میزان مشارکت افراد بسیار پایین است، به‌گونه‌ای که میانگین مشارکت برابر با ۱/۱۱ است که حاکی از پایین‌بودن میزان مشارکت در میان پاسخگویان است. میانه برابر با ۱/۰٦ است. همکاری و مشارکت در نهادها و انجمن‌های رسمی و غیررسمی در هر سه محله پایین است، اما میزان مشارکت در محلات مساعد نسبت به محلات نامساعد بیشتر است، به نحوی که میانگین مشارکت در محلات نامساعد برابر با ۱/۰۹، در محلات نیمه‌مساعد برابر با ۱/۱۳ و در محلات مساعد برابر با ۱/۱۱ است.

آگاهی اجتماعی

به معنای کسب اخبار مختلف اجتماعی و اقتصادی است که میانگین آن در میان پاسخگویان در حد پایین و برابر با ۲/۰۷ است و میانه نیز برابر با ۲/۱۲ است. میانگین نمرهٔ آگاهی اجتماعی در محلات نامساعد برابر با ۱/۹۷، در محلات نیمه‌مساعد ۲/۰۳ و در محلات مساعد ۲/۲۱ است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

همیاری تعمیم‌یافته

کمک به دیگران و حمایت‌کردن در جنبه‌های مختلف مالی و عاطفی بدون چشم‌داشت از کسانی‌که نمی‌شناسیم، از جمله مؤلفه‌های مهم در بررسی سرمایهٔ اجتماعی است. میانگین همیاری تعمیم‌یافته در این مطالعه برابر با ۱/۷۸ و در حد پایینی است و میانه هم ۱/٦٦ است. میانگین همیاری تعمیم‌یافته در محلات نامساعد برابر با ۱/۳۸ و محلات نیمه‌مساعد برابر با ۱/۸۳ است که پایین‌تر از میانگین همیاری در محلات مساعد قرار دارد که برابر با ۲/۱۲ است.

اعتماد اجتماعی

در این مطالعه اعتماد با چهار بعد اعتماد شخصی، نهادی، مدنی و تعمیم‌یافته سنجیده شده است که وضعیت هریک از این ابعاد به شرح زیر است:

میانگین اعتماد شخصی برابر با ۳/٤۱ است که نشان‌دهندهٔ آن است که اعتماد شخصی (اعتماد به خانواده، خویشاوندان، دوست و همکار) بیشتر پاسخگویان در حد متوسط رو به بالا است و میانه هم برابر با ۳/۵۰ است. میانگین اعتماد شخصی در محلات نامساعد برابر با ۳/٦، در محلات نیمه‌مساعد برابر با ۳/۲۳ و در محلات مساعد برابر با ۲/٤ بوده است که باید توجه داشت که این اعتماد شامل اعتماد به کسانی است که آن‌ها را از نزدیک می‌شناسیم و رابطهٔ چهره به چهره با آن‌ها داریم.

میانگین اعتماد نهادی که شامل اعتماد به نهادهایی همچون مسجد محله، شورایاری، شهرداری و کمیتهٔ امداد است برابر با ۲/۷۸ است. این موضوع حاکی از آن است که میزان اعتماد نهادی در میان پاسخگویان کمتر از حد متوسط است. میانه در این مفهوم برابر با ۲/۸۸ است. میانگین اعتماد نهادی در محلات نامساعد برابر با ۳/۰۷ است که در مقایسه با محلات نیمه‌مساعد، که برابر با ۲/٦۸ و محلات مساعد که میانگین اعتماد نهادی برابر با ۲/۵۵ است، بیشتر است.

میانگین اعتماد مدنی برابر با ۲/٦۵ و نشان‌دهندهٔ آن است که میزان اعتماد پاسخگویان به همسایگان و کسبهٔ محل زیرحد متوسط و میانه هم برابر با ۳ است. میانگین این نوع اعتماد در محلات نامساعد برابر با ۲/۸٦ و نسبت به محلات نیمه‌مساعد، که ۲/٦۰ و محلات مساعد که برابر با ۲/٤۹ است، بالاتر است که مؤید نظریهٔ ویلسون درباب قوی‌تربودن روابط و اعتماد به هم‌محلی‌ها در محلات نامساعد است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

میانگین اعتماد تعمیم‌یافته، به معنی داشتن حسن‌ظن و اعتماد به مردم، ۲/۱٤ و میانه هم برابر با ۲ است. میانگین اعتماد تعمیم‌یافته در محلات نامساعد برابر با ۲/۳۳، در محلات نیمه‌مساعد برابر با ۱/۹۵ و در محلات مساعد برابر با ۲/۱۳ است.

ابعاد سرمایهٔ اجتماعی

سرمایهٔ اجتماعی عینی

از میان ابعاد سرمایهٔ اجتماعی، سرمایهٔ اجتماعی عینی، که از سه متغیر مشارکت اجتماعی، دریافت حمایت و شبکهٔ روابط حاصل می‌شود، نیز به‌لحاظ میانگین در محلات مختلف متفاوت بود. میانگین نمرهٔ سرمایهٔ اجتماعی عینی افراد زیر حد متوسط و برابر با ۲/٤٥ و میانه برابر با ۲/۵۲ است. میانگین نمرهٔ سرمایهٔ اجتماعی عینی در محلات نامساعد برابر با ۲/۳٦، در محلات نیمه‌مساعد برابر با ۲/۳۹ و در محلات مساعد برابر با ۲/٦۰ و نشان‌دهندهٔ بالاتربودن میزان سرمایهٔ اجتماعی عینی افراد در محلات مساعد نسبت به محلات نامساعد و نیمه‌مساعد است.

سرمایهٔ اجتماعی ذهنی

بعد دیگر سرمایهٔ اجتماعی، سرمایهٔ اجتماعی ذهنی است که از سه متغیر اعتماد، همیاری و آگاهی اجتماعی حاصل می‌شود. میانگین نمرهٔ سرمایهٔ اجتماعی ذهنی افراد نیز زیر حد متوسط و برابر با ۲/۲٤ و میانه برابر با ۲/۲٤ است. میانگین نمرهٔ سرمایهٔ اجتماعی ذهنی افراد در محلات نامساعد برابر با ۲/۱۵، در محلات نیمه‌مساعد برابر با ۲/۲۰ و در محلات مساعد برابر با ۲/۳۷ و نشان‌دهندهٔ بالاتربودن میزان سرمایهٔ اجتماعی ذهنی افراد در محلات مساعد نسبت به محلات نامساعد و نیمه‌مساعد است.

بر این اساس، درباب ابعاد سرمایهٔ اجتماعی می‌توان گفت که در محلات نامساعد در مقایسه با محلات مساعد علی‌رغم اینکه میزان اعتماد افراد بالا است، در مجموع از سرمایهٔ اجتماعی ذهنی کمتری نسبت به محلات مساعد برخوردارند و سرمایهٔ اجتماعی عینی‌شان هم در مقایسه با محلات مساعد کمتر است. در مورد محلات نیمه‌مساعد در مقایسه با محلات مساعد، نتایج حاکی از آن است که سرمایهٔ اجتماعی ذهنی افراد در محلات مساعد و نیمه‌مساعد در یک حد است، اما میزان سرمایهٔ اجتماعی عینی افراد به معنای شبکهٔ روابط،

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

مشارکت و حمایت‌های دریافتی‌شان کمتر است. در چنین شرایطی که سرمایهٔ اجتماعی ذهنی افراد زیاد و سرمایهٔ اجتماعی عینی کم است، پاکستون معتقد است که با وجود اعتماد، تعامل و مشارکت با مشکل مواجه می‌شود.

سرمایهٔ اجتماعی

بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده، میانگین سرمایهٔ اجتماعی افراد در میان تمامی پاسخگویان پایین‌تر از حد متوسط و برابر با ۲/۳۵ و میانه برابر با ۲/۳۵ است. نمرهٔ سرمایهٔ اجتماعی افراد در محلات نامساعد برابر با ۲/۲٦، در محلات نیمه‌مساعد ۲/۳۰ و در محلات مساعد برابر با ۲/٤۹ و نشان‌دهندهٔ بالاتربودن میزان سرمایهٔ اجتماعی افراد در محلات مساعد نسبت به محلات نامساعد و نیمه‌مساعد است.

در ادامه یافته‌های فوق در جداول زیر گزارش می‌شود:

جدول ۲. میانگین نمرهٔ سرمایهٔ اجتماعی عینی و عناصرش به تفکیک محلات

		میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره
روابط	کل	۲/۸۰	۲/۸۰	۰/۸۰	۰/٤۰	۵
	نامساعد	۲/۷۱	۲/۸۰	۰/۷٤	۰/۵۰	٤/۲۵
	نیمه مساعد	۲/٦۷	۲/٦۳	۰/۹۰	۰/٤۰	٤/٦۰
	مساعد	۳/۰۱	۳	۰/٤۹	۱/۲۰	۵
دریافت حمایت	کل	۳/٤۰	۳/٦۰	۰/۹۸	۰	۵
	نامساعد	۳/۲۸	۳/٤۰	۰/۸۱	۰/۸۰	۵
	نیمه‌مساعد	۳/۳۷	۳/۲۰	۱/۲۲	۰	۵
	مساعد	۳/٦۸	۳/٤۰	۰/۸۲	۱/۲۰	۵
مشارکت	کل	۱/۱۱	۱/۰٦	۰/۱٤	۱	۱/۹۲
	نامساعد	۱/۰۹	۱/۰٦	۰/۱	۱	۱/۵۳
	نیمه‌مساعد	۱/۱۳	۱/۰٦	۰/۱٦٦	۱	۱/۸۷
	مساعد	۱/۱۱	۱/۰٦	۰/۱٤۷	۱	۱/۹۲
	کل	۲/٤۵	۲/۵۲	۰/٤۸	۰/۹۳	۳/۵۰

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

۳/۱۸	۱/۱۱	۰/۴۰	۲/۳۸	۲/۳۶	نامساعد	سرمایه اجتماعی عینی
۳/۵۰	۰/۹۳	۰/۵۸	۲/۴۳	۲/۳۹	نیمه‌مساعد	
۳/۴۹	۱/۳۱	۰/۴۱	۲/۵۹	۲/۶۰	مساعد	

جدول ۳. میانگین نمره سرمایه اجتماعی ذهنی و عناصرش به تفکیک محلات

بیشترین نمره	کمترین نمره	انحراف معیار	میانه	میانگین		
۴/۵۰	۰	۰/۸۶	۲/۱۲	۲/۰۷	کل	آگاهی اجتماعی
۴/۱۳	۰	۰/۸۰	۲	۱/۹۷	نامساعد	
۴/۳۸	۰	۰/۹۶	۲/۱۲	۲/۰۳	نیمه‌مساعد	
۴/۵۰	۰	۰/۸۱	۲/۱۲	۲/۲۱	مساعد	
۴/۶۷	۰	۰/۸۶	۱/۶۶	۱/۷۸	کل	همیاری تعمیم‌یافته
۳/۶۷	۰	۰/۵۵	۱/۳۳	۱/۳۸	نامساعد	
۳/۶۷	۰	۰/۸۴	۱/۷۵	۱/۸۳	نیمه‌مساعد	
۴/۶۷	۰	۰/۸۶	۱/۶۶	۲/۱۲	مساعد	
۵	۰/۵۰	۰/۹۰	۳/۵۰	۳/۴۱	کل	اعتماد شخصی
۵	۰/۷۵	۰/۸۱	۳/۷۵	۳/۶۰	نامساعد	
۵	۰/۵۰	۰/۹۶	۳/۵۰	۳/۲۳	نیمه‌مساعد	
۵	۰/۵۰	۰/۸۵	۲/۵۰	۲/۴۰	مساعد	
۵	۰	۱/۱۴	۲/۸۸	۲/۷۸	کل	اعتماد نهادی
۵	۰	۱/۰۱	۳	۳/۰۷	نامساعد	
۵	۰	۱/۳۰	۲/۷۷	۲/۶۸	نیمه‌مساعد	
۴/۷۸	۰	۱/۰۴	۲/۷۲	۲/۵۵	مساعد	
۵	۰	۱/۰۷	۳	۲/۶۵	کل	اعتماد مدنی
۵	۰	۱/۰۶	۳	۲/۸۶	نامساعد	
۵	۰	۰/۰۸	۲/۵۰	۲/۶۰	نیمه‌مساعد	
۵	۰	۱/۰۳	۲/۵۰	۲/۴۹	مساعد	
۵/۵۰	۰/۵۰	۱/۱۷	۲	۲/۱۴	کل	اعتماد تعمیم‌یافته
۵/۵۰	۰/۵۰	۱/۲۸	۲	۲/۳۳	نامساعد	
۵/۵۰	۰/۵۰	۱/۲۲	۱/۵۰	۱/۹۵	نیمه‌مساعد	
۵	۰/۵۰	۰/۹۶	۲	۲/۱۳	مساعد	

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

سرمایه اجتماعی ذهنی	کل	۲/۲٤	۲/۲٤	۰/٥٤	۰/٥۳	٤/۲٦
	نامساعد	۲/۱٥	۲/۱۱	۰/٥۰	۰/۹۹	۳/۹٤
	نیمه‌مساعد	۲/۲۰	۲/۲٥	۰/٥٦	۰/٥۳	۳/٦٦
	مساعد	۲/۳۷	۲/۳۹	۰/٥٤	۱/۰۱	٤/۲٦

جدول ٤. میانگین نمرهٔ سرمایهٔ اجتماعی به تفکیک محلات

		میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره
سرمایهٔ اجتماعی	کل	۲/۳٥	۲/۳٥	۰/٤۳	۱/۱٥	۳/۷۱
	نامساعد	۲/۲٦	۲/۲٤	۰/۳۸	۱/۲٤	۳/٥۱
	نیمه‌مساعد	۲/۳۰	۲/۲٥	۰/٥٦	۰/٥۳	۳/٦٦
	مساعد	۲/٤۹	۲/۳۹	۰/٥٤	۱/۰۱	٤/۲٦

یافته‌های تحلیلی

سرمایهٔ اجتماعی در محلات مساعد، نیمه‌مساعد و نامساعد

در این قسمت با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه به بررسی تفاوت سرمایهٔ اجتماعی افراد، ابعاد و مؤلفه‌های آن در محلات مساعد، نیمه‌مساعد و نامساعد پرداخته‌ایم و با استفاده از آزمون شفه معناداری تفاوت میانگین متغیرهای مورد بررسی را مورد سنجش و ارزیابی قرار داده‌ایم. نتایج این بررسی که در جدول ٥ نشان داده شده به قرار زیر است:

دربارهٔ عناصر مفهومی سرمایهٔ اجتماعی، میانگین تمامی عناصر، بجز آگاهی اجتماعی، در محلات مختلف به طور معناداری متفاوت‌اند. بر این اساس، میانگین نمرهٔ سرمایهٔ اجتماعی عینی افراد تفاوت معناداری در محلات مختلف دارند، به نحوی که شبکهٔ روابط افراد در محلات مساعد نسبت به محلات نیمه‌مساعد و نامساعد گسترده‌تر است. این امر حاکی از محدودتر بودن روابط افراد در محلات نامساعد و نیمه‌مساعد نسبت به محلات مساعد است که می‌تواند مؤید نظریهٔ فقر شهری باشد. بر این اساس، محدودبودن شبکهٔ روابط در محلات نامساعد باعث می‌شود این افراد نتوانند از فرصت‌های اجتماعی برای رشد و ترقی خود استفاده کنند. همچنین میزان حمایت‌های دریافتی افراد در محلات مساعد به‌طور معناداری بیشتر از

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

محلات نامساعد و نیمه‌مساعد است. میزان مشارکت در محلات نامساعد نیز به طور معناداری کمتر از محلات نیمه‌مساعد است. اما تفاوت میانگین میزان مشارکت در محلات مساعد با میانگین مشارکت در محلات نیمه‌مساعد و نامساعد به‌لحاظ آماری معنادار نیست.

همچنین میانگین ابعاد سرمایهٔ اجتماعی ذهنی افراد در محلات تفاوت معناداری دارد. از این میان به‌لحاظ میزان آگاهی اجتماعی تفاوت معناداری در محلات مختلف وجود ندارد، لذا فرض صفر مبنی بر برابری واریانس‌ها و عدم تفاوت معنادار در میانگین نمرهٔ آگاهی افراد در محلات مساعد و نامساعد پذیرفته می‌شود.

میزان هنجار همیاری تعمیم‌یافته در محلات مساعد به‌طور معناداری بیشتر از محلات نیمه‌مساعد و نامساعد است. کسانی که در محلات مساعد زندگی می‌کنند میزان همیاری تعمیم یافته‌شان، مانند کمک به مستمندان، انجمن‌ها و نهادهای خیریه و... بیشتر از میزان همیاری افراد در محلات نیمه‌مساعد و نامساعد است. این تفاوت در مورد محلات نیمه‌مساعد و نامساعد هم صادق است، به‌گونه‌ای که میزان همیاری تعمیم‌یافته در محلات نیمه‌مساعد بیشتر از محلات نامساعد است.

اعتماد نهادی و اعتماد شخصی و مدنی در محلات نامساعد به‌طور معناداری بیشتر از میزان اعتماد در محلات مساعد است. بدین معنا که میزان اعتماد به انجمن‌ها و نهادهای مختلف (اعتماد نهادی)، اعتماد افراد به خانواده، خویشاوندان، دوستان و همکاران (اعتماد شخصی) و اعتماد به همسایگان و کسبهٔ محل (اعتماد مدنی) بیشتر از محلات مساعد است. همچنین به‌لحاظ آماری، میانگین اعتماد شخصی، نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته (حسن‌ظن به مردم) در محلات نامساعد به طور معناداری بیشتر از محلات نیمه‌مساعد است.

در مجموع و بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده میزان سرمایهٔ اجتماعی افراد و ابعاد آن شامل سرمایهٔ اجتماعی ذهنی که دربردارندهٔ اعتماد، آگاهی و هنجارهای همیاری می‌شود و همچنین سرمایهٔ اجتماعی عینی که شامل شبکهٔ روابط، حمایت‌های اجتماعی و مشارکت می‌شود، در محلات مساعد به‌طور معناداری از محلات نیمه‌مساعد و نامساعد بیشتر است. این نتیجه مؤید دیدگاه‌های نظری درباب محدودبودن روابط، تعاملات و به طورکلی سرمایهٔ اجتماعی افراد در محلات نامساعد نسبت به مساعد است. درباب محلات نیمه‌مساعد اگرچه نمرهٔ سرمایهٔ اجتماعی در محلات نیمه‌مساعد از محلات نامساعد بیشتر است، این اختلاف میانگین به‌لحاظ

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

آماری معنادار نیست و میانگین سرمایهٔ اجتماعی افراد در این محلات تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد.

جدول ۵. تحلیل واریانس یکطرفهٔ سرمایهٔ اجتماعی، عناصر و ابعادش به تفکیک محلات

متغیر			اختلاف میانگین			متغیر			اختلاف میانگین		
		میانگین	نامساعد	نیمه مساعد	مساعد			میانگین	نامساعد	نیمه مساعد	مساعد
شبکه روابط	نامساعد	۲/۷۱				اعتماد نهادی	نامساعد	۳/۰۷			
	نیمه‌مساعد	۲/۶۷	–				نیمه‌مساعد	۲/۶۸	x		
	مساعد	۳/۰۱	x[1]	x			مساعد	۲/۵۵	x	–	
مشارکت اجتماعی	نامساعد	۱/۰۹				اعتماد مدنی	نامساعد	۲/۸۶			
	نیمه‌مساعد	۱/۱۲	x				نیمه‌مساعد	۲/۶۰	–		
	مساعد	۱/۱۱	–	–			مساعد	۲/۴۹	x	–	
دریافت حمایت	نامساعد	۳/۲۸				اعتماد تعمیم‌یافته	نامساعد	۲/۳۳			
	نیمه‌مساعد	۳/۳۷	–				نیمه مساعد	۱/۹۵	x		
	مساعد	۳/۶۸	x	x			مساعد	۲/۱۳	–	–	
آگاهی اجتماعی	نامساعد	۱/۹۷				سرمایهٔ اجتماعی عینی	نامساعد	۲/۳۶			
	نیمه‌مساعد	۲/۰۳	–				نیمه‌مساعد	۲/۳۹	–		
	مساعد	۲/۲۱	–	–			مساعد	۲/۶۰	x	x	
همیاری تعمیم‌یافته	نامساعد	۱/۳۸				سرمایهٔ اجتماعی ذهنی	نامساعد	۲/۱۵			
	نیمه‌مساعد	۱/۸۳	x				نیمه‌مساعد	۲/۲۰	–		
	مساعد	۲/۱۲	x	x			مساعد	۲/۳۷	x	x	
اعتماد شخصی	نامساعد	۳/۶				سرمایهٔ اجتماعی	نامساعد	۲/۲۶			
	نیمه‌مساعد	۳/۲۳	x				نیمه‌مساعد	۲/۳۰	–		
	مساعد	۲/۴۰	x	–			مساعد	۲/۴۹	x	x	

[1] اختلاف میانگین در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

۵. بحث و نتیجه‌گیری

محله از جمله واحدهای اجتماعی دارای هویت و سابقهٔ تاریخی است و به‌عنوان مکان زندگی افراد جنبه‌های مختلف زندگی کنشگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی متفاوت در آنان می‌شود. نظریه‌پردازان سرمایهٔ اجتماعی در مباحث مربوط به شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی بسیار به این مسئله توجه داشته‌اند؛ از جمله ویلسون که در طی مطالعات و نظریه‌پردازی‌هایش بر نقش محلات و شرایط اجتماعی و اقتصادی آن بر رفتارهای اجتماعی افراد تأکید کرده معتقد است که زندگی در محلاتی که به‌لحاظ اجتماعی و اقتصادی نامساعد است، فرصت‌های ساکنان را برای مشارکت، دریافت حمایت‌های اجتماعی و گسترش روابط کاهش می‌دهد، این امر منجر به آن می‌شود که ساکنان این محلات نتوانند از بند فقر و محدودیت‌هایی که به‌واسطهٔ کمبود منابع و امکانات برایشان ایجاد شده رها شوند و این چرخهٔ نادرست در میان آنان بازتولید می‌شود و فرصت رشد و ترقی را از آنان سلب می‌کند. استون و هیوز نیز معتقدند ساکنان محلات نامساعد از نظر سرمایهٔ اجتماعی فقیر هستند و میزان مشارکت، اعتماد و شبکهٔ روابط ساکنان این محلات اندک است، یا اینکه سرمایهٔ اجتماعی‌شان به شبکه‌های کوچکی از دوستان و فامیل محدود می‌شود.

در این مقاله سعی شد تا با توجه به دیدگاه‌های نظری مطرح در این زمینه به بررسی میزان و نوع روابط و تعاملات افراد و در سطحی کلی‌تر سرمایهٔ اجتماعی افراد در محلات مختلف پرداخته شود و تأثیر محل زندگی بر این نوع از رفتارهای اجتماعی مورد بررسی و ملاحظه قرار گیرد.

از این رو، محلات بر اساس سه شاخص وضعیت اقتصادی، سواد زنان و مهاجرت، به سه دستهٔ مساعد، نیمه‌مساعد و نامساعد تقسیم شدند و میزان سرمایهٔ اجتماعی آنان مورد سنجش و مقایسه قرار گرفت که بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده میزان سرمایهٔ اجتماعی افراد در محلات نامساعد به‌طور معناداری پایین‌تر از محلات نیمه‌مساعد و مساعد بود. این یافته‌ها، نظریات و دیدگاه‌های پیش‌گفته را درخصوص زندگی در محلات نامساعد و از جمله دیدگاه ویلسون تأئید می‌کند.

در زمینهٔ ابعاد ذهنی و عینی سرمایهٔ اجتماعی، در حالی که میزان سرمایهٔ اجتماعی ذهنی افراد، شامل میزان آگاهی اجتماعی و همیاری تعمیم‌یافته در محلات نامساعد در مقایسه با

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

محلات مساعد و نیمه‌مساعد به طور معناداری پایین‌تر گزارش شده است، در میان عناصر بعد ذهنی، اعتماد تعمیم‌یافته، شخصی، مدنی و نهادی در محلات نامساعد تفاوت معناداری با دیگر محلات داشته و بالاتر ملاحظه شده است.

اعتماد تعمیم‌یافته که از عناصر مهم برای سرمایهٔ اجتماعی در جوامع جدید به‌شمار می‌آید، در هر سه دسته از محلات بسیار پایین بوده است و تنها در محلات نامساعد و نیمه‌مساعد تفاوت معناداری به‌لحاظ میانگین داشته است؛ به‌گونه‌ای که اعتماد تعمیم‌یافته، به معنای داشتن حسن‌ظن به اعضای جامعه، در این محلات بالاتر از محلات نیمه‌مساعد بوده است. گفتنی است که در مطالعات اجتماعی دیگر دربارهٔ اعتماد در سطح محلی و حتی استانی، رابطه‌ای معکوس میان اعتماد، تحصیلات و توسعه‌یافتگی گزارش شده است و گاه با بالارفتن تحصیلات از میزان اعتماد افراد کاسته می‌شود (امیرکافی، ۱۳۷٤؛ شارع‌پور، ۱۳۸۰؛ کمالی، ۱۳۸۳). این نتایج با مطالعات مربوط به سرمایهٔ اجتماعی در خارج از ایران متفاوت است، به‌گونه‌ای که در این مطالعات بیان می‌شود با بالارفتن سطح تحصیلات و توسعه، میزان اعتماد افراد نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس، همان‌گونه که در مطالعات تجربی دیگر در شهر تهران در خصوص سرمایه اجتماعی تأکید شده است، این امر می‌تواند «به‌منزلهٔ هشداری برای سلامتی و پایداری شهری تلقی شود» (فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۲۱). البته به نظر می‌رسد با انجام مطالعاتی که هم‌زمان سطوح مختلف را با استفاده از تحلیل‌های چندسطحی دربرمی‌گیرد بتوان این وضعیت را توضیح داد.

بعد عینی سرمایهٔ اجتماعی افراد در محلات نامساعد به‌طور معناداری پایین‌تر از میزان سرمایهٔ اجتماعی عینی افراد در محلات دیگر بود. این تفاوت در همهٔ عناصر عینی شامل مشارکت اجتماعی، دریافت حمایت‌ها و گستردگی شبکهٔ روابط گزارش شده است که می‌تواند حاکی از محدودیت فرصت‌ها و منابع در دسترس ساکنان باشد و همان‌گونه که در مباحث نظری اشاره شد، چرخهٔ زندگی این افراد را در مسیر نادرستی قرار دهد و حتی اگر انواع خاصی از اعتماد در این محلات کمی بالاتر از دیگر محلات باشد، نوع کارآمدی از سرمایهٔ اجتماعی در این محلات مشاهده نمی‌شود. در حالی که در محلات مساعد و نیمه‌مساعد به‌واسطهٔ مشارکت‌ها، حمایت‌های اجتماعی بالاتر و شبکهٔ روابط گسترده‌تر محتمل است منابع و فرصت‌های بیشتری در دسترس ساکنان این محلات قرار بگیرد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

نکتهٔ حائز اهمیت این است که باوجود تفاوت معنادار عناصر سرمایهٔ اجتماعی در سه دسته محلات مورد بررسی، از جمله میزان بالاتر انواع اعتماد در محلات نامساعد و میزان بالاتر عناصر ابعاد عینی سرمایهٔ اجتماعی (شبکهٔ روابط، مشارکت و...) در محلات مساعد، اندازه‌های به‌دست‌آمده از سنجش سرمایهٔ اجتماعی در محلات، اعم از مساعد و نامساعد، همگی در مجموع در حد متوسط یا پایین‌تر از میانگین نظری در این تحقیق است (به‌استثنای حمایت‌های دریافتی). ملاحظهٔ این امر مؤید حضور عوامل فرامحله‌ای مؤثر بر سرمایهٔ اجتماعی در شهر تهران است که مطالعات متعددی جهت شناسایی این عوامل باید صورت گیرد.

درباب نتیجهٔ خاص این بررسی بر این نکته می‌توان تأکید کرد که وجود و گسترش محلات نامساعد، که خود محصول شرایط اجتماعی و اقتصادی نامطلوب در جامعه است، می‌تواند مانع شکل‌گیری و ذخیرهٔ سرمایهٔ اجتماعی در جامعه شود و آثار و پیامدهای منفی سرمایهٔ اجتماعی پایین در جامعه از جمله بازتولید چرخهٔ فقر در محلات نامساعد را به دنبال داشته باشد.

منابع

امیرکافی، مهدی (۱۳۷٤) «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، *نمایهٔ پژوهش*، شمارهٔ ۱۸.

پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) *دموکراسی و سنت‌های مدنی: تجربهٔ ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار*، ترجمهٔ محمدتقی دلفروز، تهران: روزنامهٔ سلام.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۵) *سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمهٔ افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.

خنده‌رو، مهدی (۱۳۸۷) «بررسی سرمایهٔ اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله (مطالعه موردی محله‌های منطقه ۹ شهرستان مشهد)»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.

دواس، دی. ای (۱۳۸٦) *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمهٔ هوشنگ نایبی، تهران: نی.

دورلاف، استیون. ان (۱۳۸۵) «علیه سرمایهٔ اجتماعی»، در: *سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمهٔ کیان تاجبخش، افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰) «فرسایش سرمایهٔ اجتماعی و پیامدهای آن»، *نامهٔ انجمن جامعه‌شناسی*، سال اول، شمارهٔ۱.

عبدی، عباس (۱۳۸۸) «نمونه‌گیری، خوشه‌بندی محلات تهران: روش‌شناسی و روش‌های تحقیق»، در دست انتشار، از این مقاله خلاصه‌ای در سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران به نشانی www.isa.org.ir در دسترس است.

فیروزآبادی، سیداحمد و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۸۵) «سرمایهٔ اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی ـ اجتماعی در کلان‌شهر تهران»، *فصلنامهٔ رفاه اجتماعی*، سال ششم، شمارهٔ ۲۳: ۱۹۷-۲۲٤.

فیلد، جان (۱۳۸٦) *سرمایهٔ اجتماعی*، ترجمهٔ غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: کویر.

موسوی خامنه، مرضیه (۱۳۸۳) سرمایهٔ اجتماعی و سلوک اجتماعی، پایان‌نامهٔ دکتری دانشگاه تهران.

موسوی، مرضیه و سارا متین (۱۳۸۸) «سرمایهٔ اجتماعی و کارکردهای آن: مقایسهٔ دو محلهٔ قدیم و جدید در منطقهٔ ۳ تهران»، *مجموعهٔ مقالات همایش منطقه‌ای: زندگی شهری، سنت‌های گسیخته و نیازهای تازه در منطقهٔ ۳ شهرداری تهران*.

ولکاک، مایکل و نارایان، دیپا (۱۳۸۵) «پژوهش و سیاست»، در: *سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمهٔ کیان تاجبخش، افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.

ممتاز، فریده (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی شهر*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

Dizet, Robert D (2002) "The Estimation of Neighborhood Effects in The Social Sciences: An Interdisciplinary Approach", *Social Science Research,* 31: 1-43, *www.ACADEMICPRESS.com*.

Glaeser, Edward L. (2010) "The Formation of Social Capital, Organization for Economic Co-operation and Development" :1-20, *WWW.OECD.ORG/DATAOECD.PDF*.

Harding, David J. (2010) "Violence Older Peers and the Socialization of Adolescent Boys in Disadvantaged Neighborhoods , *American Sociological Review*, 74 (3): 445-464.

Putnam, Robert (2010) *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, New York: Simon and Schuster.

Sampson, Robert J. & Jeffrey D. Morenoff & Thomas Gannon-Rowley (2010) "Assessing Neighborhood Effects": Social Processes and New Directions in Research", *Annu, Rev,Sociol*: 443-478, *WWW.ARJORNALS.ANNUALREVIEWS.ORG.*

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]

Stone, Wendy (2010) "Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life", *Research Paper No. 24, Australian Institute of Family Studies*, *Melbourne* , *WWW.AIFS.GOV.AN/INSTITUTE/PUBS.*

_____ and Jody Hughes (2010) "Social Capital: Empirical Meaning and Measurement Validity", *Australian Institute of Family Studies*: 1-64.

Swaroop, Sapna & Jeffrey D. Morenoff (2010) "Building Community: The Neighborhood Context of Local Social Organization", *Population Studies Center, University of Michigan:* 1-21*, WWW.PSC.ISR.UNMICH.EDU.*

Turney, Kristin & Kristin Harknett (2010) "Neighborhood Socioeconomic Disadvantage, Residential Stability and Perceptions of Social Support among New Mothers", *Center for Research on Child Wellbeing Working Paper* : 1-42.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.8.3]